

امام حسین، قافله سالار عزت و کرامت

<?xml encoding="UTF-8">

اطاعت از خدا، شرط عزتمندی حقیقی

انسان، مظهر صفات الهی و نماینده حق در جلوه گاه آفرینش است. از جلوه های خداگونه انسان، عزت و فخر برگرفته از نور ایمان او به خداوند است که به زندگی اش پاکی و آرامش هدیه می کند. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ همه عزت از برای خداوند است». البته هر که بخواهد عزیز گردد، باید تنها به سوی خدا برود؛ زیرا خداوند هم عزیز و هم عزت بخش است و هر که از غیر او طلب کند، خوار می شود.

هم چنین عزت و عظمت درگرو اطاعت خدای عزیز و اولیای او و تسلیم در برابر اوامر الهی است. پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «پروردگارتان همه روز می فرماید: منم پروردگار عزیز، هر کس عزت دو جهان را خواهد، باید اطاعت عزیز کند».

ارزش عزت نفس نیز در حدیثی از امام صادق آل محمد علیه السلام چنین آمده است: «خداوند همه امور را به مؤمن واگذارده، ولی به او اختیار نداده است که شخصیت گران بهایش را به خواری بکشانند». پیام متن:

1. عزت واقعی از آن خداست و با تسلیم در برابر دستورهای خدا به دست می آید.
2. هیچ مؤمنی مجاز نیست عزت خویش را از بین ببرد.

عزت مداری امام حسین علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام از برگزیدگان حق درعرصه عزت و شرف است. حضرت حسین علیه السلام ، مفهوم حقیقی عزت خواهی را در عمل نشان داد. «حیات طیبه» در قاموس او با شرافت و آزادگی همراه است. در فرهنگ حماسی امام، مرگ با عزت، زندگی است و زندگی ذلیلانه، مرگ و خواری است.

یکی از مهم ترین درس های حماسه کربلا، عزت نفس و دوری از اسارت در ذلت است. امام حسین علیه السلام ، حیات ذلت بار در سایه حکومت یزید را با کرامت دودمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و شرافت مؤمنان در تضاد می دید. چنین نگرشی به زندگی، انسان را در دو راهی شهادت یا ذلت، به سوی عزت شهادت رهنمون می سازد. در همین راستا، امام حسین علیه السلام ، حال خویش را به زبان شاعرانه این گونه بیان می کند:

آیا با خواری زیستن یا با خواری مردن؟ من هر دو را خوراکی ناگوار می بینم. اگر به ناچار باید از مرگ و زندگی، یکی را برگزید؛ حرکت من به سوی مرگ با عزت، حرکتی زیبا خواهد بود.

حسین علیه السلام ، درس عزت را در پرتو ولایت پدرش، امیرمؤمنان علی علیه السلام آموخته است که می سراید:

وَإِنْ تَكُنْ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ انْشَيْتُ فَقَتْلُ أَمْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ

اگر این بدن ها برای مرگ آفریده شده است، پس کشته شدن با شمشیر در راه خدا، بسیار زیباتر و برتر است. تربیت شدگان فرهنگ امام حسین علیه السلام نیز زندگی حقیقی را در مرگ و بقا را در فنا یافته اند. قاسم بن الحسن علیه السلام مرگ را شیرین تر از غسل می داند. علی اکبر چون «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را از زبان پدر شنید، پرسید: پدر مگر ما بر حق نیستیم؟ پدر فرمود: آری. گفت: پس چه باک از مرگ!

و فرزندان مسلم بن عقیل گفتند: «در رکابت می جنگیم تا به شهادت برسیم، زشت باد زندگی پس از تو...». آری، شهیدان این گونه اند که جسم مادی شان به زیر خاک ها می رود، ولی نام و مرام و هدفشان همواره جاویدان است.

پیام متن:

1. از نشانه های عزت نفس سیدالشهدا علیه السلام ، استقبال از مرگ با عزت و انزجار از زندگی ذلت بار زیر سایه حکومت یزید بوده است.

2. آنها که پیرو مکتب امام حسین علیه السلام می باشند نیز، مرگ با عزت را بر زندگی ذلت بار ترجیح می دهند.

هیئات من الذلة

در میان سخنان حماسی امام حسین علیه السلام ، شعاری نمادین و افتخارآمیز هست که نشانه گویای آزادی و آزادمنشی امام حسین علیه السلام و دین سرافراز جد اوست. آن شعار، عبارت غرورآفرین «هیئات من الذلة» است.

آن گونه که در روز عاشورا در برابر پیشنهاد ابن زیاد فریاد برآورد:

آگاه باشید که ناپاک ناپاک زاده، مرا میان دو چیز قرار داده است: کشته شدن یا تسلیم با ذلت، ولی ذلت از ما بسیار دور است. خدا راضی نیست که ما ذلیلانه تسلیم شویم و پیامبر خدا و مؤمنان و دامن های پاک و پاکیزه ای که در آن پرورش یافته ایم و آن مردانی که از تن دادن به زیر بار ستم منزّه اند، راضی نیستند که ما اطاعت افراد پست را بر قتل گاه کریمان برگزینیم.

امام حسین علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید: «به خدا سوگند، هرگز مانند یک انسان ذلیل بیعت نمی کنم و نیز مانند بردگان فرار نمی کنم».

با این شرایط، مرگ را سعادت می بینم و زندگی با فرومایگان، خواری است و روح من روحی نیست که با ستم گر سازش کند.

امام حسین علیه السلام به برادرش، محمد حنفیه می نویسد: «برادرم، به خدا سوگند، اگر در تمام دنیا هیچ پناه گاهی برای من نباشد، باز هم با یزید بیعت نخواهم کرد».

پیام متن:

خودداری امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید به سبب آزادی و بندگی واقعی خداوند.

سخنانی از بزرگان درباره آزادی سالار شهیدان

شاعر عرب، ابوالطیب المتنبی می گوید: «وَ إِذَا كَانَتِ النَّفُوسُ كِبَارًا تَعْبَتُ فِي مَرَادِهَا الْأَجْسَامُ». و هرگاه که روح ها بزرگ شد، در راه رسیدن به هدف های او جسم به زحمت می افتد.

«روح بزرگ و عزیز، آسایش ذلت آور را نمی پذیرد. اساسا روح که بزرگ شد به زحمت می افتد. روح بزرگ، آرزو می

کند که در راه هدف های بزرگ و الهی، جسم را فدا کند و روح کوچک، تن را به آسایش می کشاند».

ابن ابی الحدید می گوید: «حسین بن علی علیه السلام، سید «آبات»؛ یعنی سالار کسانی است که زیر بار زور نرفتند. عرب به آن مردمی که حاضر نیستند زیر بار زور بروند، «آبات» می گوید. ابن ابی الحدید درس بزرگ حسین علیه السلام به انسان ها را چنین توصیف می کند:

اباعبدالله حسین بن علی علیه السلام سید اهل الالباء، یعنی سرور آزاگان بود که درس مردانگی و مرگ در سایه شمشیر را به جای پذیرش پستی و ذلت به انسان ها آموخت. به او و یارانش پیشنهاد امان شد، ولی از خواری سر برتافت.

استاد مطهری نیز از نگاهی دیگر، روحیه حضرت حسین علیه السلام را حماسی می داند: در امام، نوعی حماسه است که حماسه انسانی است؛ تعصب اگر نامیده شود، تعصب ممدوح است. آن حماسه، کرامت نفس و آزادمنشی و عزت نفس است.

حماسه، به طور کلی توجه به نوعی کیفیت معنوی است. یکی از اصول تربیت این است که در روح افراد، حماسه به وجودبیاید، ولی البته حماسه الهی، نه نژادی و ملی؛ یعنی حماسه ای نسبت به خیر و نیکی و نسبت به سنن سالم اجتماع.

امام حسین علیه السلام، شعارهایش، عملش، حرکاتش، سکناش، سخنانش تا آخرین لحظه ها تمام حق خواهی و حق پرستی و موجی از حماسه است. امام حسین علیه السلام، یک سوژه بی نظیر است در اسلام؛ از نظر تجدیدحیات اخلاقی و اجتماعی در اسلام و از نظر برانگیختن احساسات انقلابی و حماسی و از نظر ایجاد و تکوین شخصیت... .

وقتی توانایی امام اندک می شود و تیر زهرآلود به سینه امام می نشیند، روی زمین می افتد، ولی تن به ذلت و خواهش نمی دهد، بلکه رو به قبله معبود می کند و می فرماید: «یا اِلهی صَبْرًا عَلَی قَضَائِکَ وَ لَمَعْبُودَ سِوَاکَ یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ».

پیام متن:

1. روح بزرگ، هرگز زیر بار ذلت نمی رود.

2. از برجسته ترین ویژگی های امام حسین علیه السلام، روح حماسی - الهی او بوده است.

3. روح بزرگ با راحت طلبی های جسم در تضاد است و به همین سبب روح بزرگ موجب ایجاد زحمت برای جسم می شود.

سخنی از مهاتما گاندی و اقبال لاهوری درباره امام حسین علیه السلام

حماسه حسینی، درس آزادی را به همه جهانیان داد. از این رهگذر، پیام عزت و سربلندی این حماسه را از زبان مهاتماگاندی، رهبر فقید هند بشنویم که گفت:

من برای مردم هند چیز تازه ای نیاوردم، فقط نتیجه ای که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود... و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق زندگی مان، امام حسین علیه السلام پیروی کند... .

محمد اقبال لاهوری، از تقلید کورکورانه مسلمانان از تمدن غرب به شدت انتقاد می کند و تنها عامل نجات و عزت مسلمانان را عمل به اسلام ناب می داند. او می گفت: «سخن مرا باور کنید که اروپای امروز، بزرگ ترین مانع در راه

پیشرفت اخلاق بشری است».

وی در رثای حسین بن علی علیه السلام چنین می سراید:

تیغ بهر عزت دین است و بس / مقصد او حفظ آیین است و بس
«ما سوی الله» را مسلمان بنده نیست / پیش فرعونی سرش افکنده نیست
خون او تفسیر این اسرار کرد / ملت خوابیده را بیدار کرد
تیغ «لا» چون از میان بیرون کشید / از رگ ارباب باطل خون کشید
نقش «الا الله» بر صحرا نوشت / سطر عنوانِ نجات ما نوشت
رمز قرآن از حسین آموختیم / ز آتش او شعله ها اندوختیم
شوکت شام و فر بغداد رفت / سطوت غرناطه هم از یاد رفت
تار ما از زخمه اش لرزان هنوز / تازه از تکبیر او ایمان هنوز
ای صبا، ای پیک دورافتادگان / اشک ما را بر مزار او رسان
پیام متن:

1. سرمشق گرفتن گاندی از امام حسین علیه السلام و توصیه و ارشاد او به مردم هند، که برای رهایی از چنگال استعمار، آن حضرت را الگوی خویش قرار دهند.
2. اقبال لاهوری، امام حسین علیه السلام را بیدار کننده جامعه اسلامی و نجات بخش آنان می دانست.

عناصر عزت

1. زندگی در پرتو عقیده و جهاد یکی از عناصر تحقق عزتمندی، استقامت بر رأی و عقیده درست است. دو عنصر فکر و عمل، سرمایه هر انقلاب است و زندگی واقعی، آن است که ویژگی های حیات ارزش آفرین را داشته باشد و تلاش انسان در مسیر عقیده و ایمانی صحیح پیش رود. بنا به قول شاعر عرب، احمد شوقی: «قَفْ دُونَ رَايِكْ فِي الْحَيَاةِ مُجَاهِدًا إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ».

زندگی، پیکار در راه اندیشه هاست و چون اندیشه ناب باشد، تلاش ها نافذ گردد. مرگ با عزت نیز روزی صاحب اندیشه نیک است که به آسانی جان را فدای آرمان ها و حفظ ارزش ها می کند. استاد مطهری در این باره می نویسد:

تمام فاجعه کربلا برای این بود که امام رأی خود را نفروخت. در دوره یزید چه در وقتی که امام در مدینه بود و چه در مکه و چه در بین راه و چه در کربلا، آنها از امام فقط یک امتیاز می خواستند و اگر آن یک امتیاز را امام به آنها می داد، نه تنها کاری به کارش نداشتند، انعام ها هم می دادند. حسین علیه السلام همه همان رنج ها را تحمل کرد و تن به شهادت خود و کسانش داد که همان یک امتیاز را ندهد. آن یک امتیاز، فروختن رأی و عقیده بود... اگر یک رأی غیروجدانی و غیرمشروع می داد، شهید نمی شد؛ شهید شد که رأی و عقیده خودش را نفروخته باشد.

2. آزادمندی و عزتمندی انسان بدون آزادمندی، عزیز نخواهد شد. در مرام حسین علیه السلام، آزادی و عزت در عمل و اندیشه، رابطه تنگاتنگی دارد و تا انسان از قید و بند وابستگی ها و چاپلوسی ها رهایی نیابد، به عزتمندی نخواهد رسید.

آن گاه که سرور آزادگان در محاصره دشمن قرار می گیرد و اهل بیت بی پناه وی فریاد «واحسینا» سر می دهند، امام فریاد برمی آورد: «وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز رستاخیز نمی هراسید، دست کم در دنیای خود آزادمرد باشید».

پیام متن:

1. میان وابستگی های دنیوی و عزتمندی آدمی منافات وجود دارد.

2. از عناصر عزتمندی، پایداری بر رأی و عقیده درست است.

3. زیبایینی بلاها حماسه کربلا و اسارت خاندان امامت، نمادی از زیبایی و شکوه حق بود. کربلا از یک منظر، زشتی های یزیدیان را به خود دید، ولی از منظر حسینیان به زیبایی درخشید. آن گونه که زینب علیه السلام در برابر ابن زیاد و دودمانش که او را به قربانی شدن برادرش ملامت می کرد و به این واقعه فخر می ورزید، فرمود: «ما رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا... ؛ ای فرزند زیاد من از این حادثه جانکاه جز زیبایی ندیدم.» برادرم و یارانش نیز با افتخار، به جایگاه ابدی خویش سفر کردند و این ننگ و نفرت به زودی برای تو می ماند که باید پاسخ گوی خون ها باشی. در این زیباانگاری دو نکته نهفته است:

الف) تسلیم رضای الهی بودن در برابر آزمایش بلاها؛

ب) اینکه زیبا دیدن بلاها، مانع از تسلیم آدمی در برابر حوادث روزگار می شود و روح او را همواره عزیز می دارد. پیام متن:

زیبا دیدن بلاها و سختی ها از عوامل حفظ عزت و کرامت آدمی است.

4. امر به معروف و نهی از منکر جامعه اموی در شعله فساد و تباهی می سوزد، حق به کنار رفته است و باطل، منکر نیست. عقیده امام مصلح نیز در این وضعیت بر آن است که مؤمن واقعی باید مرگ در عزت را طلب کند؛ زیرا بزرگی و کرامت پای مال شده است. پس باید برای نجات مردم از منجلاب گمراهی، چاره ای اندیشید و طرحی نو در انداخت.

پس در نامه ای به برادرش، محمد حنفیه می نویسد:

خروج من برای سلطه گری نیست، بلکه حرکت من برای پاکیزه کردن امت است. امت جدم نیاز به پاک سازی دارد. می خواهم دعوت به نیکی ها و پرهیز از پلیدی ها را سرلوحه حرکت قرار دهم و شیوه رسول الله و پدرم را ارج نهم.

حسین علیه السلام با این تلاش حماسی، ارزش امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد و آن را به عنوان عامل رشد و عزت مردم در صدر اهداف نهضت خویش برشمرد.

ازاین رو، پیشوایان اسلام همواره می کوشیدند با پرورش روح عزت و شرافت انسانی در وجود پیروان خویش و آشنا کردن مردم با ارزش های اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، عزت نفس آنها را برانگیزانند و آنان را با اراده های قوی و نشاط جسمی و روانی به سوی اهداف برتر رهنمون سازند و با چیره شدن بر مشکلات زندگی، به بیشترین توفیق ها دست یابند.

پیام متن:

برای رسیدن به عزتمندی باید فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر را احیا کرد.

سخنی از امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری درباره عزت نفس

امام خمینی رحمه الله که یکی از مظاهر عینی کرامت و عزت نفس بود، در بیان این موضوع می فرماید:

هیئات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت بار تن دردهند و هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت بماند و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.

مقام رهبری نیز در تجلیل از فرهنگ حماسه ساز اباعبدالله الحسین علیه السلام فرموده است:

در رفتار امام حسین علیه السلام از همان اول که از مدینه حرکت کرد تا وقتی که در کربلا به شهادت رسید، همان معنویت و عزت و سرافرازی و درعین حال عبودیت و تسلیم مطلق در مقابل خدا محسوس است... .

پیام متن:

اهتمام امام راحل رحمه الله و مقام معظم رهبری به پرورش عزت نفس مردمان و الگو قرار دادن امام حسین علیه السلام دراین باره.